

فهرست اجمالی

۱ سخن ناشر
۳ مقدمه
۵ بخش نخست: کلیات
۷ فصل اول: اصطلاحات
۲۷ فصل دوم: تعیین قلمرو بحث
۳۷ بخش دوم: تعدد عوامل در نوع واحد
۳۹ فصل سوم: اجتماع مباشرین
۶۷ فصل چهارم: اجتماع اسباب
۱۱۳ بخش سوم: تعدد عوامل نوع غیر واحد (اجتماع سبب و مباشر)
۱۱۵ فصل پنجم: بیان قاعده
۱۱۹ فصل ششم: فروض اجتماع سبب و مباشر
۱۵۹ نتیجه گیری
۱۶۳ منابع
۱۷۱ نمایه اشخاص

فهرست تفصیلی

۱ سخن ناشر
۳ مقدمه
۵ بخش نخست: کلیات
۷ فصل اول: اصطلاحات
۷ ۱. مباشرت
۷ ۱-۱. معنای لغوی
۷ ۱-۲. معنای اصطلاحی
۸ ۱-۲-۱. معنای مباشر از نظر فقهی
۸ الف. افعال غیر تولیدیه
۹ ب. افعال تولیدیه
۱۱ ج. نامگذاری مباشر به علت
۱۱ ۱-۲-۲. معنای مباشر از نظر حقوقی
۱۳ ۲. تسبیب
۱۳ ۲-۱. معنای لغوی
۱۳ ۲-۲. معنای اصطلاحی
۱۶ ۳. شرط
۱۶ ۳-۱. تعریف شرط
۱۸ ۳-۲. ضابطه تعیین شرط و تمایز آن از سبب
۱۹ ۴. مطالعه کوتاه تطبیقی

د □ تعدد عوامل موجب خسارت در حقوق ایران، فقه امامیه

۲۰	جمع بندی
۲۲	یادداشت ها
۲۴	پی نوشت ها
۲۷	فصل دوم: تعیین قلمرو بحث
۲۷	۱. مسئولیت مدنی
۲۸	۲. مسئولیت قراردادی
۲۸-۱	۲-۱. تعریف مسئولیت قراردادی
۲۹	۲-۲. ماهیت مسئولیت قراردادی
۳۱	۲-۳. تعدد عوامل موجب خسارت در مسئولیت قراردادی
۳۱	۲-۳-۱. قرارداد منعقد شده، تجزیه پذیر باشد
۳۲	۲-۳-۲. قرارداد منعقد شده تجزیه ناپذیر باشد
۳۴	جمع بندی
۳۵	پی نوشت ها
۳۷	بخش دوم: تعدد عوامل در نوع واحد
۳۹	فصل سوم: اجتماع مباشرین
۳۹	۱. تعدد عوامل انسانی بدون تقصیر زیان دیده
۳۹-۱	۱-۱. اجتماع طولی مباشرین
۴۲	۱-۲. اجتماع عرضی مباشرین
۴۲	۱-۳. حکم اجتماع مباشرین
۴۴	۲. تعدد عوامل انسانی با تقصیر زیان دیده
۴۴-۱	۲-۱. بررسی در فقه
۴۶	۲-۲. بررسی در حقوق
۵۰	۳. دخالت قوه قاهره در ایجاد زیان
۵۰-۱	۳-۱. تعریف قوه قاهره
۵۰-۱-۱	۳-۱-۱. خارجی بودن حادثه
۵۱-۱-۲	۳-۱-۲. غیر قابل پیش بینی بودن حادثه
۵۱-۱-۳	۳-۱-۳. غیر قابل دفع بودن حادثه
۵۱-۲	۳-۲. بررسی در فقه
۵۱-۲-۱	۳-۲-۱. قوه قاهره عامل منحصر ورود ضرر باشد
۵۳-۲-۲	۳-۲-۲. قوه قاهره یکی از عوامل ورود ضرر باشد
۵۴-۳	۳-۳. بررسی در حقوق

فهرست تفصیلی □ ه

۵۶ مطالعه کوتاه تطبیقی
۵۶-۱ تعدد مباشرین
۵۷-۲ تقصیر زبان دیده
۵۹-۳ تأثیر قوه قاهره
۶۰ جمع بندی
۶۲ یادداشت‌ها
۶۵ پی نوشت‌ها
۶۷ فصل چهارم: اجتماع اسباب
۶۸-۱ تعدد سبب، تعدد ضرر (تعاقب اضرار)
۶۹-۲ تعدد سبب، ضرر واحد
۷۰-۱ اجتماع عرضی اسباب
۷۰-۱-۱ ضابطه عرضی بودن اجتماع اسباب
۷۰ الف. هم‌زمانی در ایجاد عامل تلف
۷۲ ب. تجزیه‌ناپذیر بودن عامل ایجاد تلف
۷۲-۱-۲ حکم اجتماع اسباب در حالت عرضی
۷۵ جمع بندی
۷۵-۲ اجتماع طولی اسباب
۷۵-۲-۱ مفهوم طولی بودن اجتماع اسباب
۷۶-۲-۲ حکم اجتماع طولی اسباب
۷۶ الف. نظریه اشتراک در ضمان (برابری اسباب)
۷۶ اول. بیان نظریه
۷۷ دوم. بررسی نظریه
۷۸ ب. نظریه سبب مقدم در تأثیر
۷۸ اول. بیان نظریه
۷۹ دوم. بررسی این نظریه
۸۱ ج. نظریه سبب اقوی
۸۱ اول. بیان نظریه
۸۲ دوم. بررسی نظریه
۸۳ د. نظریه سبب مقدم در وجود
۸۳ اول. بیان نظریه
۸۳ دوم. بررسی نظریه
۸۴ ه. نظریه سبب مؤخر در وجود
۸۴ اول. بیان نظریه
۸۵ دوم. بررسی نظریه

و □ تعدد عوامل موجب خسارت در حقوق ایران، فقه امامیه

۸۵.....	و. نظریه سبب مؤخر در تأثیر.....
۸۵.....	اول. بیان نظریه.....
۸۶.....	دوم. بررسی نظریه.....
۸۶.....	ز. نظریه سبب نزدیک و بی‌واسطه.....
۸۶.....	اول. بیان نظریه.....
۸۸.....	دوم. بررسی نظریه.....
۸۸.....	ح. نظریه تشخیص میزان تأثیر هر یک از اسباب.....
۸۸.....	اول. بیان نظریه.....
۹۳.....	دوم. بررسی نظریه.....
۹۵.....	ط. نظریه سبب متحرک یا پویای نتیجه.....
۹۵.....	اول. بیان نظریه.....
۹۶.....	دوم. بررسی نظریه.....
۹۷.....	ی. نظریه سبب متعارف و اصلی.....
۹۷.....	اول. بیان نظریه.....
۹۸.....	دوم. بررسی این نظریه.....
۹۹.....	جمع‌بندی.....
۱۰۲.....	۳. مطالعه کوتاه تطبیقی.....
۱۰۶.....	یادداشت‌ها.....
۱۰۸.....	پی‌نوشت‌ها.....
۱۱۳.....	بخش سوم: تعدد عوامل نوع غیر واحد (اجتماع سبب و مباشر).....
۱۱۵.....	فصل پنجم: بیان قاعده.....
۱۱۵.....	۱. نظر مشهور.....
۱۱۶.....	۲. نظر غیرمشهور.....
۱۱۷.....	جمع‌بندی.....
۱۱۸.....	پی‌نوشت‌ها.....
۱۱۹.....	فصل ششم: فروض اجتماع سبب و مباشر.....
۱۱۹.....	۱. مباشر اقوی از سبب باشد.....
۱۲۱.....	۲. سبب اقوی از مباشر باشد.....
۱۲۱.....	۲-۱. بیان مسأله.....
۱۲۲.....	۲-۲. ملاک اقوایت سبب.....
۱۲۲.....	۲-۲-۱. اراده مباشر مرعوب یا مقهور اراده سبب باشد.....
۱۲۳.....	۲-۲-۲. عمل سبب موجب تبدیل فعل بی‌خطر مباشر به فعل خطرناک شود.....

فهرست تفصیلی □ ز

۱۲۴.....	۲-۳. تطبیق ضابطه بر مصادیق.....
۱۲۴.....	۱-۳-۲. مصادیق مقهور یا مرعوب بودن اراده مباشر توسط سبب.....
۱۲۴.....	الف. اجبار.....
۱۲۵.....	ب. اضطرار.....
۱۲۵.....	اول. تعریف لغوی و اصطلاحی.....
۱۲۶.....	دوم. بررسی در فقه.....
۱۲۸.....	سوم. بررسی در حقوق ایران.....
۱۲۹.....	ج. اکراه.....
۱۲۹.....	اول. تعریف لغوی و اصطلاحی.....
۱۳۰.....	دوم. بیان حکم.....
۱۳۱.....	سوم. اکراه در قتل.....
۱۳۳.....	د. غرور.....
۱۳۳.....	اول. بیان حکم.....
۱۳۵.....	دوم. تضامن یا عدم تضامنی بودن مسئولیت در غرور.....
۱۳۸.....	ه. مباشر مجنون یا کودک.....
۱۳۸.....	و. مباشر حیوان یا عوامل طبیعی.....
۱۳۸.....	ز. جهل.....
۱۳۸.....	ح. مجوز قانونی.....
۱۴۰.....	۲-۳-۲. مصادیقی که سبب موجب تبدیل شدن عمل بی خطر مباشر به فعل خطرناک می‌شود.....
۱۴۱.....	۳. تساوی سبب و مباشر.....
۱۴۹.....	۴. مطالعه کوتاه تطبیقی.....
۱۵۱.....	جمع‌بندی.....
۱۵۴.....	یادداشت‌ها.....
۱۵۵.....	پی‌نوشت‌ها.....
۱۵۹.....	نتیجه‌گیری.....
۱۶۳.....	منابع.....
۱۶۳.....	منابع فارسی.....
۱۶۵.....	منابع عربی.....
۱۶۹.....	منابع انگلیسی.....
۱۷۱.....	نمایه اشخاص.....

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَ الْخَمْدُ لِلَّهِ
الَّذِي فَضَّلْنَا عَلَى كَثِيرٍ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ

(قرآن کریم، سوره مبارکه النمل، آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق علیه السلام که از سوی ریاست دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته، تربیت نیروی انسانی ای متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند.

از این حیث «تربیت» را می توان مقوله ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می سازد. از سوی دیگر «سیاست ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست ها در گرو انجام پژوهش های علمی و بهرمندی از نتایج آنهاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان های فکری و اجرایی به حساب می آیند و نمی توان آینده درخشانی را بدون توانایی های علمی - پژوهشی رقم زد و

۲ □ تعدد عوامل موجب خسارت در حقوق ایران، فقه امامیه

سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است. دانشگاه امام صادق علیه السلام در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که بیش از «ربع قرن» تجربه دارد و هم اکنون ثمرات نیکوی این شجره طیبه در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیانگذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود در طلیعه دور جدید فعالیتش بتواند به توسعه و تقویت آنها در پرتو عنایات حضرت حق تعالی، اهتمام ورزد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی- کارکردی آنها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و.... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند- درک کاستی‌ها و اصلاح آنها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق علیه السلام را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (ان شاء الله)

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام

مقدمه

زندگی انسان‌ها و مسائل آن تنوع و پیچیدگی بسیار دارد و علوم انسانی به تحلیل و بررسی آن می‌پردازد؛ هر کدام از این علوم از دیدگاه خود انسان و رابطه او را با موجودات دیگر بررسی می‌کند از مباحث مهم زندگی اجتماعی بشر، موضوع حق و تکلیف است که علم حقوق (به معنای عام) متکفل مسائل آن است و با توجه به گستردگی حوزه‌های حق و تکلیف علم حقوق به شاخه‌های مختلفی متفرع می‌شود. در این بین مسئولیت مدنی یکی از مهم‌ترین مباحث حقوق خصوصی است که دادگاه‌ها نیز همه روزه با دعاوی متعددی در این رابطه رو به رو هستند که برای رسیدگی به آنها بایستی از قواعد و قوانین مرتبط با بحث مسئولیت مدنی استفاده نمایند. در این مقدمه کوتاه برآنیم تا به صورت بسیار مختصر ضمن بیان مسئله و ضرورت آن، اصول و مبانی این پژوهش را تبیین نمائیم.

هنگامی که در مسئولیت مدنی عامل ورود خسارت متعدد باشد، مسئله پیچیدگی و اهمیت دو چندان پیدا می‌کند. این مسأله از مباحث دشوار مسئولیت مدنی محسوب می‌شود. چراکه ابتدا باید مسئول یا مسئولان حادثه از بین عاملان ایجاد خسارت متمایز گردد و در مرحله بعد میزان مسئولیت آنان تعیین شود و این امر مستلزم وجود ضوابط و معیارهایی است مشخص

۴ □ تعدد عوامل موجب خسارت در حقوق ایران، فقه امامیه

تا از صدور احکام متعارض جلوگیری گردد لذا حقوق‌دانان معمولاً این موضوع را تحت عنوان تعدد اسباب و فقها به صورت پراکنده در کتب فقهی و بیشتر ذیل عنوان تراحم موجبات ضمان آن را بررسی کرده‌اند که به نظر نگارنده بهترین عنوان برای آن «تعدد عوامل موجب خسارت» است زیرا در اصطلاحات فقهی و حقوقی واژه «سبب» معنایی خاص دارد و به یکی از حالات تعدد عوامل اشاره دارد و بدین جهت عنوان «تعدد اسباب» نسبت به فرض بحث عنوانی است خاص و شامل تمام فروض نمی‌شود.

از آنجا که صور تعدد عوامل موجب خسارت مختلف و گوناگون بوده و هر کدام حکم خاصی دارند، لاجرم باید به تقسیم آنها بپردازیم و برای آنها ضابطه تعیین نمائیم؛ در این مجموعه سعی کرده ایم تا حالات تعدد عوامل را از هم تفکیک کرده و تقسیم‌بندی را با توجه به احکام مختلف انجام دهیم و برای آنها ضابطه تعیین کنیم و بعد از تعیین ضامن یا ضامنین، احکام آنها را با توجه به قوانین موجود (از جمله: قانون مدنی، قانون مسئولیت مدنی، قانون مجازات اسلامی) و همچنین با توجه به منابع فقهی، تعیین نمائیم و نظرات مختلفی را که در باب میزان مسئولیت ایشان بیان شده، طرح و بررسی کنیم.

برای تعیین مسئولیت عاملان باید به نحوه دخالت آنان در ورود ضرر توجه نمود، بر این مبنا سه صورت کلی قابل فرض است:

تمام عوامل به صورت مستقیم و بلاواسطه در ورود خسارت سهیم باشند.
تمام عوامل به صورت غیر مستقیم و مع‌الواسطه باعث ورود ضرر شده باشند.
بعضی عوامل مستقیم و بعضی مع‌الواسطه ضرر را به وجود آورده باشند.
صورت اول را اصطلاحاً «اجتماع مباشرین» و حالت دوم را در اصطلاح «اجتماع اسباب» و فرض سوم را «اجتماع سبب و مباشر» می‌نامند.

بخش تحت: کلیات

فصل اول: اصطلاحات

۱. مباشرت

۱-۱. معنای لغوی

مباشرت در لغت از ریشه بشره به معنای پوست بدن است^۱ و گاه به معنای به دست خود کارکردن، کاری را انجام دادن به نفع خویش آمده است^۲ و بعضی مباشرت را حرکتی که بدون واسطه شدن دیگری انجام می‌شود، دانسته‌اند.^۳ همچنین مباشر به معنای کسی است که به خودی خود قیام در کاری کند^۴ و نیز به مدیر و عامل کاری گفته می‌شود^۵ همچنین به عامل و پیشکار هم مباشر گفته می‌شود^۶ در عربی نیز مباشر به همین معنا آمده است: «کاری را شخص به نفسه انجام دهد و خودش متولی آن باشد.» [۱]

البته از نظر لغوی برای مباشر و مباشرت معانی دیگری ذکر شده که همه آنها معنای مذکور را در ضمن خود دارا می‌باشند.

۱-۲. معنای اصطلاحی

معنای اصطلاحی مباشر و مباشرت، به معنای لغوی آن نزدیک است و از همان معنا اخذ شده است.

۸ □ تعدد عوامل موجب خسارت در حقوق ایران، فقه امامیه

۱-۲-۱. معنای مباشر از نظر فقهی

مباشر در اصطلاح فقهی و حقوقی در مقابل سبب به کار برده می‌شود و به آنکه بین عمل او و خسارت حاصله واسطه‌ای نیست، مباشر گفته می‌شود.^۷ با مطالعه منابع فقهی می‌بینیم هرگاه سخن از مباشر به میان می‌آید بحث اصلی به سمت قاعده اتلاف و شرایط آن سوق داده می‌شود، در حقیقت، مسئولیت مدنی در صورتی ایجاد می‌شود که خسارتی وارد شده و این خسارت توسط شخص مسئول انجام گرفته باشد.

اتلاف در فقه به دو بخش تقسیم می‌شود: اتلاف بالمباشرة و اتلاف بالتسبیب.^۸

البته در حقوق این دو بخش را جداگانه و تحت دو عنوان اتلاف و تسبیب بررسی می‌کنند و قانون مدنی نیز این دو را از حیث شرایط تحقق و مبنا جدا ساخته است.^۹ بنابراین هر کجا به طور مطلق از اتلاف سخن گفته می‌شود، منظور، اتلاف بالمباشرة‌ای است که در فقه بحث می‌شود. فقها این قاعده را هم در اموال و هم در ابدان به کار برده‌اند، اما با توجه به جداسازی قلمرو مسئولیت مدنی و کیفری، ما در این تحقیق تنها به جنبه مالی و مدنی آن خواهیم پرداخت و باید توجه داشت که مال در اینجا اعم است از اعیان خارجی و منافع.

فقها این قاعده را با عبارت «من اتلف مال الغير فهو له ضامن» بیان کرده‌اند، این عبارت اصطیادی است، به این معنا که اگرچه چنین عبارتی در متون و نصوص دینی وجود ندارد اما با استفاده از بعضی آیات و روایات می‌توان چنین مضمونی را برداشت نمود.^[۲]

الف. افعال غیر تولیدیه

در مورد معنای اصطلاحی مباشرت فقها بحث چندانی نکرده‌اند، چرا که بر

مبنای معنای لغوی معنای آن را واضح دانسته‌اند برخی از فقها در بیان مباشرت، فقط به ذکر مصادیقی از آن پرداخته و تعریفی از آن ارائه نکرده است^{۱۰} اما در جایی دیگر مباشرت را تعریف کرده و ضابطه آن را اتلافی دانسته که بدون قصد واقع شده باشد [۳] بعضی دیگر از فقها، مباشرت را فعل فاعل علت تامه یا جزء اخیر علت دانسته‌اند^{۱۱} به گونه‌ای که خسارت از فعل فاعل، زماناً جدا نگردد، مانند سر بریدن، خفه کردن با دست، زدن با چاقو و شمشیر و... [۴]

می‌توان گفت قدر متیقن از مباشر همان است که این عده گفته‌اند، یعنی فعل مستقیماً و بدون هیچ واسطه و آلتی از فاعل که همان مباشر است، صادر شود. اما موارد و مصادیقی وجود دارد که در آنها اختلاف شده که آیا از مصادیق مباشر می‌باشد یا باید آنها را در تعاریف دیگر مانند سبب، شرط و... وارد کرد.

ب. افعال تولیدیه

از جمله مواردی که بر سر آن اختلاف شده که آیا سبب‌اند یا مباشر، افعالی است که در آنها بین مباشر و تلف، وسیله‌ای واسطه قرار گیرد مانند آنکه شخصی با تیراندازی دیگری را بدون قصد به قتل برساند، که در این صورت مقتول به وسیله تیر کشته شده است. به این نوع افعال، افعال تولیدیه گفته می‌شود. بعضی از فقها به دلیل اینکه در این نوع افعال بین فاعل و تلف، واسطه قرار گرفته آنها را از شمول تعریف مباشر خارج دانسته‌اند. در مقابل عده‌ای دیگر، چنین افعالی را از مصادیق مباشرت می‌شمارند.

بنا بر نظر گروه دوم^{۱۲}، از آنجا که ملاک مباشرت، استناد فعل به فاعل است و این مناط در افعال تولیدیه وجود دارد، نباید در اینکه فاعل چنین افعالی را مباشر دانست، شک کرد.

به نظر می‌رسد نباید افعال تولیدیه را با دقت فلسفی بررسی کرد، چرا

۱۰ □ تعدد عوامل موجب خسارت در حقوق ایران، فقه امامیه

که اگرچه در این افعال بین فاعل و تلف واسطه‌ای وجود دارد، اما همان‌گونه که بیان شد ملاک مباشرت، مستند بودن تلف بدون واسطه به مباشر است که آن هم در نظر عرف مشخص می‌شود زیرا در مسائل حقوقی و فقهی، دید محقق باید عرفی باشد، نه فلسفی.

اما سؤال این است که چرا بعضی فقها چنین افعالی را در باب جنایات، در بحث تسبیب بحث کرده اند؟

شاید بتوان گفت که فقها در بحث ضمان و در بحث جنایات، دو معنا برای «سبب» در نظر گرفته‌اند. با این توضیح که در باب ضمان همان‌گونه که توضیح داده خواهد شد، سبب را چیزی دانسته‌اند که از وجودش، وجود حاصل نمی‌شود اما از عدمش، عدم لازم می‌آید. اما در باب جنایات، سبب را آلت قتل یا قطع دانسته‌اند برای مثال برخی از فقها فرموده‌اند: تفویض از سه راه حاصل می‌شود^{۱۳}:

الف) مباشرت که ایجاد علت تلف است.

ب) تسبیب که ایجاد چیزی است که تلف با وجود آن حاصل می‌شود لکن به علتی دیگر و حصول علت با وجود سبب متوقع است.
ج) اثبات ید: یدی که موجب ضمان و مسئولیت می‌شود. (البته این موضوع از محل بحث خارج است)

بنابراین در این جا متوقع الحصول بودن علت را در تسبیب لازم دانسته‌اند. یا در کتاب قصاص بیان داشته‌اند^{۱۴}:

قتل عمد به دو صورت اتفاق می‌افتد: اول مباشرتی که یا با آلت تیز است یا با آلت سنگین که در گیج‌گاه یا موضع حساس بزنند.

دوم تسبیب مانند خفه کردن با ریسمان، دستمال و زدن با تیر.

یا در کتاب دیات نوشته‌اند^{۱۵}: مباشرت مانند آن است که به سوی کسی

تیر اندازی کند و تسبیب مانند حفر چاه می‌باشد. حال مشاهده می‌شود مثالی را که برای سبب در غضب آورده شده، همان مثالی است که برای شرط در قصاص آمده است. یا در باب دیات، مثال حفر چاه گاهی شرط و گاهی سبب نامیده شده ولی در کتاب قصاص مثال تیراندازی و خفه کردن در باب سبب ذکر شده است در حالی که این مورد داخل در مباشرت است.

ج. نامگذاری مباشر به علت

عده‌ای از فقها، از مباشرت تعبیر به علت کرده‌اند و علت ضرر را همان مباشر دانسته‌اند و علت را آنچیزی دانسته‌اند که فعل به آن مستند است. [۵] به نظر می‌رسد تعبیر علت برای مباشر در همه موارد مباشرت صحیح نباشد، زیرا همان‌گونه که در تعاریف فقها از مباشر مشاهده کردیم، مباشرت ایجاد علت تلف بود و نه خود تلف و شاید بتوان گفت کسانی که علت را همان مباشر می‌دانند، جزء آن دسته از فقها هستند که افعال تولیدیه را از دایره مباشرت خارج می‌دانند. باید توجه داشت در بعضی موارد مفهوم مباشر و علت باهم جمع می‌گردند؛ مثلاً اگر شخصی هنگام راه رفتن پایش بلغزد و با کالای دیگری برخورد کرده، آن را بشکند در اینجا هم علت و هم مباشر، خواننده دعوی خواهد بود.

به عبارت دیگر می‌توان گفت، از نظر منطقی مفهوم مباشر و علت، عموم و خصوص مطلق می‌باشند.

۲-۲-۱. معنای مباشر از نظر حقوقی

در قوانین موضوعه مباشر به سه معنا به کار رفته است^{۱۶}:
الف: کسی که از طرف مالک به‌طور مستمر (بدون توقیت) اداره اموال او

۱۲ □ تعدد عوامل موجب خسارت در حقوق ایران، فقه امامیه

را تصدی می‌کند. (ماده ۷۴۶ آیین دادرسی مدنی)

ب: کسی که ضابط است (ماده ۱۲۷ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶)

ج: کسی که عملش تأثیر مستقیم در رخدادی داشته باشد. (ماده ۳۳۲ قانون مدنی و ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی)

از این سه معنا آنچه که مورد بحث ماست، معنای سوم است که با توجه به اینکه این اصطلاح از فقه اخذ شده است باید به معنای آن در فقه توجه نمود.

البته مباشر را می‌توان به صورت‌های دیگر نیز تقسیم‌بندی کرد برای مثال عده‌ای از حقوق‌دانان^{۱۷} مباشرت را به دو بخش تقسیم کرده اند:

۱. مباشرت علت ۲. مباشرت شرط

الف: مباشرت علت

مباشرت علت آن است که بین مباشر و تأثیر هیچ واسطه‌ای نباشد، به عبارت دیگر، آنچه که با آن اثر واقع می‌شود، مباشر علت نامیده می‌شود. مانند آنکه شخصی قلم دیگری را گرفته و می‌شکند که وی مباشر علت است. در حقیقت در این نوع مباشرت هرگاه سؤال شود علت تلف چیست، پاسخ، مباشر خواهد بود.

ب: مباشر شرط

شرط در علم اصول، عبارت است از آن چیزی که شیء از نظر وجود یا صفت، متوقف بر آن است به گونه‌ای که جزیی از حقیقت آن نباشد، به دیگر سخن از عدم آن (شرط) عدم لازم می‌آید اما از وجود آن، وجود لازم نمی‌آید. در واقع زمینه ساز فاعلیت فاعل و قابلیت قابل است.^{۱۸}

مثل آنکه در قطع طناب یک لوستر، قطع‌کننده، مباشر علت قطع طناب است و مباشر شرط شکستن لوستر می‌باشد.

چنانچه در تعریف و مثال مباشرت شرط دقت شود، ملاحظه می‌گردد که شرط در تعریف به معنای فلسفی خود به کار رفته و نه عرفی و در حقیقت مباشرت، همان مباشر در افعال تولیدیه است

۲. تسبیب

۱-۲. معنای لغوی

سبب در معنای لغوی به معنی ریسمان و هر چه به آن ببینند و نیز به معنی طریق و وسیله می‌باشد اسباب نیز که جمع سبب است به معنی اطراف و اکناف و راه‌ها و علل آمده است.^{۱۹}

۲-۲. معنای اصطلاحی

واژگان مباشر، سبب، علت، شرط از اصطلاحات رایج در مسئولیت مدنی می‌باشند که همگی از فقه اخذ شده‌اند اما در متون روائی و ادله ضمان اثری از این اصطلاحات نیست و فقها از قرن هفتم به بعد از این کلمات بهره برده‌اند.^{۲۰} به همین علت بعضی از فقها معتقدند از آنجا که در روایات چنین الفاظی وجود نداشته و عنوان هیچ حکمی قرار نگرفته‌اند، دلیل و انگیزه‌ای برای تعریف آنها وجود ندارد^{۲۱} و اسناد عرفی تلف را به شخص کافی دانسته‌اند.^{۲۲} اما به نظر می‌رسد اگرچه ملاک ضمان، اسناد عرفی تلف به فاعل است، اما تشخیص آن در تمام موارد آسان نیست و در بعضی موارد از جمله اجتماع عوامل موجب ضرر نیاز به تجزیه و تحلیل فروض مختلف دارد به همین دلیل باید فهم عرفی را ضابطه‌مند کنیم تا بتوان مسئول یا مسئولان را از دیگر عوامل تشخیص داد، بنابراین تعریف اصطلاحات می‌تواند ما را در تبیین و تطبیق کمک کند.[۶]

برخی از فقها^{۲۳} در تعریف سبب بیان داشته‌اند:

«سبب موجب ضمان عبارت از فعلی است که انتظار تلف از آن می‌رود یعنی بعید نیست که تلف مترتب بر آن باشد.»

ایشان در توضیح این تعریف افعالی را که موجب ضرر و خسارت می‌شوند بر سه نوع تقسیم می‌کند:

۱. افعالی که به حسب نوع و افراد غالبشان موجب تلف می‌شوند: این دسته همان افعالی‌اند که ذاتاً موجب تلف می‌شوند به عبارتی در صورت عدم وجود مانع و وجود تمام شرایط از وجودشان، وجود لازم می‌آید مانند انداختن کسی در آتش که نوعاً موجب تلف است مگر آنکه مانعی وجود داشته باشد و یا شرطی مفقود باشد.

۲. افعالی که به اعتبار خصوصیت مورد یا خصوصیت محل موجب تلف شده‌اند مانند آنکه شخصی دیگری را می‌زند به گونه‌ای که زدن او به سبب ضعف زیان‌دیده موجب قتل وی می‌گردد.

۳. افعالی که به واسطه وجود شرطی دیگر موجب ضرر می‌شوند: در این افعال ایجاد خسارت احتمالی بوده و در صورت وجود شرایط دیگر تلف حاصل می‌شود.

بعد از بیان این سه قسم از افعال موجب خسارت، برخی دیگر از فقها بیان می‌دارند که دو دسته اول از مصادیق مباشرت بوده و از تعریف سبب خارجند. بنابراین سبب، هر فعلی است که به عنوان جز یا شرط در اتلاف مؤثر است و به این دلیل است که بعضی از فقها در تعریف سبب، احتمالی بودن و مورد انتظار بودن ایجاد خسارت را ذکر کرده‌اند و مؤثر بودن در تلف را در تعریف نیاورده‌اند.^{۲۴}

به نظر بعضی^{۲۵} این دسته‌بندی درست به نظر نمی‌رسد زیرا فرقی که بین این اقسام ذکر شده، روشن نیست چون ایشان معتقد است: بعضی از افعال

ذاتاً کشنده هستند اگر به مانع برخورد نکنند و یا شرطشان مفقود نباشد. حال اگر چیزی اثر ذاتی است آیا معقول است شرط آن وجود نداشته باشد یا مانع آن موجود باشد.

به نظر می‌رسد اگرچه این اشکال وارد است اما شاید بتوان گفت منظور از اثر ذاتی، اثر مبتنی بر مقتضی بوده و به هر حال این تقسیم تا حدودی محدوده سبب را مشخص می‌نماید.

بعضی دیگر از محققین در تعریف تسبیب گفته‌اند [۷] هر فعلی که به سبب آن تلف حاصل می‌شود تسبیب است مانند حفر چاه در غیر ملک و ایجاد چاله در معابر عمومی و درجای دیگر ضابطه آن را این‌گونه معرفی کرده‌اند که سبب آن چیزی است که «در صورت فقدان آن تلف واقع نمی‌شد، اما علت تلف، چیزی غیر از سبب است مانند حفر چاه و نصب چاقو و پرتاب سنگ» [۸]

برخی دیگر از فقها در تعریف سبب آورده‌اند: [۹] «سبب آن است که اثری در تولید جنایت داشته باشد همان طوری که علت چنین تأثیری دارد ولی شباهتی نیز با شرط دارد.»

گروهی دیگر از محققین^{۲۶} در تعریف سبب نوشته‌اند: «انه فعل ملزوم‌العله»

در نقد این تعریف، گفته شده^{۲۷} این تعریف اخص از مدعی است زیرا شامل تعدد اسباب نمی‌گردد و فقط به سببی اختصاص دارد که علت از لوازم آن باشد مگر اینکه گفته شود مقصود از ملزوم علت اعم از ملزوم با واسطه یا بی‌واسطه است.

البته در جایی دیگر به تعریف قبلی قیدی افزوده شده که مبنی بر آن، تسبیب وقتی محقق است که فاعل قصد وقوع علتی که از لوازم سبب است،

را داشته باشد. [۱۰]

گروهی دیگر از فقها عقیده دارند در تحقق تسبیب لازم است که سبب امری باشد که وقوع علت تلف پس از آن مورد انتظار باشد. [۱۱]

با توجه به تعاریف مذکور می‌توان گفت: سبب عاملی است که در صورت فقدان آن تلف واقع نمی‌شد اما با دو قید: این که سبب، علت تلف نیست به دیگر سخن ایجاد خسارت از سوی آن احتمالی است و دیگر آن که ضرر به سبب متناسب است.

بنابراین با قید اول تفاوت سبب و علت مشخص می‌شود چرا که هرگاه علت وجود داشته باشد معلول (ضرر) هم لاجرم ایجاد خواهد شد در حالی که با وجود سبب، وقوع ضرر حتمی و یقینی نیست و با قید دوم مرز بین سبب و شرط تعیین می‌گردد. چرا که اگر چه شرط در ایجاد خسارت مدخلیتی دارد اما ضرر به آن متناسب نیست و نمی‌توان مجموع عوامل و شرایط دور و نزدیک را جزء اسباب شمرد و آنها را ضامن خسارت دانست، زیرا در همه موارد که زیان‌هایی ایجاد می‌شود می‌توان در کنار موجبات ضمان، عواملی را یافت که عامل مؤثر در ضمان هرگز بدون آنها توان تأثیرگذاری ندارند ولی با این وجود ضرر و خسارت مستند به آنها نیست.

۳. شرط

۱-۳. تعریف شرط

یکی از اصطلاحات رایج در مباحث فقهی ضمان و مسئولیت مدنی اصطلاح «شرط» می‌باشد.

که در کتب فقهی با اصطلاح «سبب» متفاوت است همان‌گونه که بیان شد، بعضی از فقها سبب را چیزی دانسته‌اند که اگر نبود علت موجب اثر نمی‌شد. اما از ذهن تیزبین فقها این نکته دور نمانده است که امور بسیاری

وجود دارد که اگر وجود نمی‌داشتند حادثه نیز به‌وجود نمی‌آمد ولی در عین حال عرف چنین عواملی را سبب حادثه نمی‌داند. این امور که در واقع زمینه‌ساز حادثه هستند همان عوامل بعیده هستند که فقها اصطلاحاً آن را «شرط» نامیده‌اند. به این مثال توجه کنید در جریان جنون گاوی شرکت‌های تولید و عرضه‌کننده گوشت گاو آلوده و بیماری‌زا سبب ایجاد زیان محسوب می‌شوند لکن کسانی که در تهیه و عرضه آن از مرحله ذبح تا بسته‌بندی و نگهداری در سردخانه و توزیع دخالت دارند به رغم مشارکتی که در این عمل زیان‌آور دارند سبب محسوب نمی‌شوند، آن‌ها از شرایط تأثیر سبب هستند.

عده‌ای از فقها در رابطه با شرط چنین نگاشته‌اند: «چیزهایی که موجب هلاک می‌شوند بر سه قسم‌اند: شرط، علت و سبب، اما شرط عبارت از چیزی است که تأثیر مؤثر منوط به وجود اوست ولی در علیت دخالت ندارد. ولی سبب، چیزی است که یک اثری در ایجاد ضرر دارد و از این جهت مانند علت است ولی از جهتی دیگر شبیه شرط است.» [۱۲]

به موجب این نظر وجه مشترک سبب و شرط در آن است که با فقدان آن دو حادثه نیز منتفی است. ولی تمایز آن دو در این است که شرط زمینه‌ساز حادثه است در حالی که سبب از دیدگاه عرف نقشی مؤثرتر بازی نموده و در اثربخشی علت نیز مؤثر است.^{۲۸}

البته تفکیک سبب از شرط در همه جا به این آسانی نیست. به‌طور مثال در مثال تولید گوشت‌های آلوده اگر فرض کنیم کارگران و کارمندان شرکت با علم به زیان‌های حاصل از فروش و مصرف کالای بیماری‌زا و به قصد ایجاد زیان‌های قابل پیش‌بینی اقدام به همکاری نموده باشند، به دشواری می‌توان آن‌ها را جزء شرایط و معاف از مسئولیت دانست.

۲-۳. ضابطه تعیین شرط و تمایز آن از سبب

بعضی معیار تشخیص شرط از سبب را در قابلیت پیش‌بینی ضرر دانسته‌اند به این صورت که سبب عاملی است که خطر و زیان را پیش‌بینی می‌کرده اما اگر ضرر ایجاد شده برای عامل قابل پیش‌بینی نبوده، شرط محسوب می‌شود.^{۲۹} مانند افروختن آتش در ملک خود که به طور عادت به جای دیگری سرایت نمی‌کند و با وزش غیرمتعارف باد موجب سرایت و ایجاد خسارت می‌گردد، در این مورد ایجاد حریق سبب «زیان وارده شده» محسوب نمی‌شود و سبب واقعی در حقیقت حادثه طبیعی وزش غیرعادی باد می‌شود که موجب سلب ضمان از ایجادکننده حریق است.^{۳۰} بنابراین اگر ایجادکننده آتش، طبق عادت، سرایت آتش و وقوع ضرر و خطر را پیش‌بینی می‌کرد، وی ضامن محسوب می‌شد.

اما به هر حال نمی‌توان تمامی مصادیق را با معیار پیش‌بینی بودن ضرر، بررسی کرد و آنچه که در مسئولیت مدنی اهمیت دارد فارغ از اصطلاحات مذکور، تشخیص مسئول حادثه است که باید از دیدگاه عرف مشخص شود و لذا هرگاه در بین عوامل بتوان شرط و سبب و علت را تشخیص داد، با بودن علت (مباشر) نوبت استناد حادثه و به تبع آن ضمانت به سبب نمی‌رسد (مگر آنکه سبب اقوی از مباشر باشد) و با بودن سبب، نوبت به شرط نخواهد رسید. برای مثال، شخص الف به‌طور غیرقانونی ماده سمی سیانور را به (ب) می‌فروشد و او بر اثر مسامحه آن را در دسترس طفل قرار می‌دهد و کودک با خوردن آن جان می‌سپارد. در این حادثه (الف) شرط، (ب) سبب و کودک مباشر (علت) بوده است و علی‌القاعده (ب) ضامن است زیرا جهل کودک موجب اقوی بودن سبب از مباشر می‌شود ولی اگر در همین مثال به جای کودک شخصی که داروساز است و با مواد سمی آشنائی دارد ولی علی‌رغم احتمال خطرناک بودن ماده مذکور، مسامحه نموده و به خوردن آن مبادرت

کند، خورش هدر است و در هر حال، فروشنده ماده سمی تنها مرتکب تخلف صنفی شده و در صورت وحدت قصد با خریدار (ب) ممکن است به عنوان معاون نیز تحت تعقیب قرار می‌گیرد^{۳۱}

۴. مطالعه کوتاه تطبیقی

در حقوق انگلیس از واژه «شبه جرم» (Tort) برای اشاره به خطاهای مدنی خاص که متمایز از خطاهای کیفری می‌باشند استفاده می‌شود. واژه «شبه جرم» از کلمه لاتینی «تورتوس» به معنی پیچیده یا تابیده و واژه نرماندی- فرانسوی «تورت» به معنی خطا (Wrong) مشتق شده است.^{۳۲}

از نظر تاریخی، حقوق کامن لا، اطراف جرم را به دو عنوان مباشرین (principals) یا معاونین (accessories) طبقه‌بندی می‌کند. مباشرین اشخاصی هستند که با انجام رفتاری به طور مستقیم در انتخاب جرم شرکت (participation) می‌کنند. معاونین همراهی‌کنندگانی هستند یا کسانی هستند که به مباشرین یاری و مساعدت می‌نمایند.^{۳۳}

بنابراین در حقوق انگلیس نیز عوامل مستقیم را از عوامل غیرمستقیم متمایز می‌کنند. البته می‌توان گفت معاونین در ایجاد ضرر، حکم شرط در فقه و حقوق ما را دارند.

البته در حقوق کامن لا مباشرین را به نسبت درجه مشارکتشان به چند طبقه تقسیم می‌کنند. شخصی که مستقیماً یا از طریق افعال عامل بی‌گناهی، واقعاً ایجاد ضرر می‌کند مباشر درجه اول می‌باشد.

مباشر درجه دوم شخصی است که نه به طور مستقیم اما واقعاً یا به طور ضمنی در وقوع حادثه‌ای که وی مساعدت نموده یا فاعل اصلی را تحریک کرده درگیر بوده است.

برای آنکه شخصی به طور ضمنی در ایجاد حادثه حضور داشته باشد،

۲۰ □ تعدد عوامل موجب خسارت در حقوق ایران، فقه امامیه

وی باید به حد کافی، هم‌کار عامل اصلی تلقی گردد. مثلاً مردی را فرض کنید که اسکورت (حامی) زنی بوده و از وی دور می‌شود، به طوری که مرد دیگری به آن زن حمله می‌نماید، مردی که اسکورت را رها می‌کند، احتمالاً به طور ضمنی در ارتکاب جرم نقش داشته و می‌تواند به عنوان مباشر درجه دوم طبقه‌بندی شود. زیرا وی در ارتکاب جرم مساعدت نموده و دیگری را در ارتکاب جرم تحریک نموده است. مساعدت (aid) و تحریک (abet) دیگری در ایجاد ضرر به معنای رضایت داشتن به انجام عمل یا حمایت کردن یا تأیید کردن دیگری از طریق مشارکت فعال در آن عمل یا تشویق به آن عمل با رفتارهای دیگر می‌باشد.^{۳۴} بنابراین آنچه که در فقه و حقوق ما به عنوان سبب شناخته می‌شود در حقوق کامن لا تحت عنوان مباشر درجه دوم بررسی می‌گردد.

جمع‌بندی

مباشر در اصطلاح فقهی و حقوقی در مقابل سبب به کار برده می‌شود و به آنکه بین عمل او و خسارت حاصله واسطه‌ای نیست مباشر گفته می‌شود.^{۳۵} بعضی در این تعریف دقت فلسفی کرده و افعال تولیدیه را مباشرت ندانسته‌اند که باید گفت ملاک مباشرت، مستند بودن تلف است بدون واسطه به مباشر که آن هم در نظر عرف مشخص می‌شود و در مسائل حقوقی و فقهی، دید محقق باید عرفی باشد و نه فلسفی. در مورد تسبیب نیز می‌توان گفت سبب عاملی است که در صورت فقدان آن تلف واقع نمی‌شد اما با دو قید: این که سبب، علت تلف نیست به دیگر سخن ایجاد خسارت از سوی آن احتمالی است و دیگر آن که ضرر به سبب منتسب است. بنابراین با قید اول تفاوت سبب و علت مشخص می‌شود چرا که هرگاه علت وجود داشته باشد معلول (ضرر) هم لاجرم

اصطلاحات □ ۲۱

ایجاد خواهد شد در حالی که با وجود سبب، وقوع ضرر حتمی و یقینی نیست و با قید دوم مرز بین سبب و شرط تعیین می‌گردد چرا که اگرچه شرط در ایجاد خسارت مداخلیتی دارد اما ضرر به آن منتسب نیست.

یادداشت ها

- [۱]. «باشر الامر: ولیه بنفسه... و مباشره الامر أن تحضره بنفسک و تلیه بنفسک» ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۳۶۳، ج ۱: ۴۱۴
- [۲]. شیخ طوسی در مبسوط و ابن ادریس در السرائر، یکی از مبانی این قاعده را آیه مبارکه «و من اعتدی علیکم فاعتدوا بمثل ما اعتدی علیکم» دانسته‌اند و بعضی به آیه «جزاء سیئه سیئه مثلها» استناد کرده‌اند. بجنوردی، میرزا حسن، القواعد الفقهیه، چاپ اول، قم، نشر الهادی، ۱۴۱۹ ه ق، ج ۲، ص ۲۵. همچنین روایاتی در این زمینه وارد شده که بسیار به عبارت قاعده نزدیک است: حرّ عاملی، محمد بن حسن بن علی، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، چاپ اول، قم، ۱۴۰۹ ه ق ج ۱۹ کتاب الديات أبواب موجبات الضمان الباب ۱۳ الحدیث ۳ و ۲؛ الوسائل ج ۱۸ کتاب الحدود و التعزیرات أبواب نکاح البهائم الباب ۱ الحدیث ۴؛ الوسائل ج ۱۹ کتاب الديات أبواب موجبات الضمان الباب ۱۱ الحدیث ۱
- [۳]. «أما المباشرة فضابطها الإلتلاف لا مع القصد إليه» محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴: ۲۳۱؛ محقق حلی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۳۰۳
- [۴]. «المباشرة هی ایجاد عله التلف، كالقتل و الأكل و الإحراق» علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۲: ۲۲۱؛ نراقی، مولی، محمد بن احمد، ۱۴۲۲: ۴۲۷
- [۵]. «المباشرة و تسمى عله و هی ما يستند الفعل اليه» عاملی، جواد بن محمد حسینی، بی تا، ج ۱۰: ۲۶۶
- [۶]. انتخاب این تعریف‌ها و بحث درباره آن تنها جنبه نظری ندارد؛ چنان‌که هرگاه تعریف علامه (که بیان خواهد شد) مبنا قرار گیرد، باید شخص به کاری دست زند که بر حسب عادت برای ایجاد علت به کار می‌رود. حتی بعضی از آن استفاده کرده‌اند که ایجاد تلف به قصد اتلاف باشد. (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۱۵۹) برای مثال

گوسفندی را غصب کند که بچه آن بمیرد یا مالک را مانع از حراست شود تا گله تلف شود. به همین جهت صاحب مسالک در رد این احتمال می‌نویسد: «و الأصح الضمان مع استناد التلف إلى فعل الغاصب، بمعنى أنه لو لا الغصب و الحبس لما تلف عادة، فإن الواقع في العبارة أعم منه، لتحقق السبب حينئذ و القصد غير معتبر في تحققها و ترتب أثرها كما اقتضاه التعريف الذي اخترناه.» (شهادت تانی ۱۷۰: ۱۴۱۳).

[۷]. «التسبیب و هو کل فعل يحصل التلف بسببه كحفر البئر في غير الملك و كطرح

المعائر في المسالك» محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۳: ۱۸۶

[۸]. «الأسباب: و ضابطها ما لولاه لما حصل التلف لكن عله التلف غيره كحفر البئر و

نصب السكين و إلقاء الحجر» محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴: ۲۳۷

[۹]. «أما السبب: فهو ما له أثر ما في التوليد كما للعلّة، لكنّه يشبه الشرط من وجه»

علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۳: ۵۸۹

[۱۰]. «السبب علی ما فسره الفقهاء، هو إيجاد ملزوم العلة قاصدا لتوقع تلك العلة»

شهادت اول، محمد بن مکی عاملی، ۱۴۱۴، ج ۲: ۳۹۲

[۱۱]. «التسبیب: و هو إيجاد ما يحصل التلف عنده، لكن بعلة أخرى إذا كان السبب

مما يقصد لتوقع تلك العلة كالحافر» کرکی، محقق ثانی، ۱۴۱۴، ج ۶: ۲۰۶

[۱۲]. «اقسام المزهق ثلاثة: شرط و عله و سبب. فالشرط: ما يقف عليه تأثير المؤثر و

لا مدخل له في العلية، كحفر البئر بالنسبة إلى الوقوع، إذا الوقوع مستند إلى علة و

هي التخطي و لا يجب به قصاص بل الديه و أما العلة: فهو ما يستند الفعل إليه،

كالجراحات القاتله، فإنها تولد السرايه و السرايه مولده للموت و أما السبب: فهو ما

له أثر ما في التوليد كما للعلّة، لكنّه يشبه الشرط من وجه» علامه حلی، ۱۴۱۳،

ج ۳: ۵۸۹